

شهر فلسفه ۵



آیریس مرداک

سیطره‌ی خیر

با مقدمه و ویرایش مصطفی ملکیان

مترجم: شیرین طالقانی

سرشناسه	مرداک، ایریس، ۱۹۱۹-۱۹۹۹
عنوان و نام پدیدآور	Murdoch, Iris
مشخصات نشر	بسیطری شیر / ایریس مرداک؛ مترجم شیرین طالقانی
مشخصات ظاهری	تهران: نشر شور، چاپ اول ۱۳۸۷
فروست	۲۰۰: صفحه / چاپ دوم ۱۴۰۰
شابک	شور فلسفه ۵
یادداشت	978-964-95265-9-1
یادداشت	عنوان اصلی: The Sovereignty of Good [1971]
یادداشت	نماینه
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس
یادداشت	نواژه‌نامه
موضوع	اخلاق
شناسه افزوده	طالقانی، شیرین، ۱۳۴۵ - مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۷: ۱۰۱۲/۴ س BJ
رده‌بندی دیویی	۱۷۰:
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۷۸۳۸۷:

www.ketab.ir



صفحه‌آرایی: واحد هنر و گرافیک نشر شور

طراحی جلد: عاطفه چرنده‌ئی

شمار آغازین: علی صالحی

چاپ: پردیس دانش

چاپ دوم: ۱۳۰۰

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است

تهران. خیابان هویزه. پلاک ۱۴۴. واحد دوم غربی

تلفن: ۸۸۷۴۷۶۴۱ - ۸۸۷۴۷۶۴۲ - شماره:

www.shoorpublishers.ir

@shoorbooks

رود

زیر کُرک نازک مه

می‌رفت و رازی را برای خودش زمزمه می‌کرد

فهرست

گاه‌شمار.....	۷
پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه‌ی مترجم.....	۵۱
سیطره‌ی خیر.....	۶۹
۱. اندیشه‌ی کمال.....	۷۳
۲. درباره‌ی 'خداوند' و 'خوب'.....	۱۲۷
۳. سیطره‌ی خوبی بر سایر مفاهیم.....	۱۶۱
واژه‌نامه.....	۱۹۱
نمایه‌ی اشخاص.....	۱۹۷

جایگاه ایریس مرداک در اخلاق‌شناسی روزگار ما

ایریس مرداک (Iris Murdoch)، بانوی متفکر بریتانیایی (۱۹۱۹-۹۹)، هم فیلسوف بود، هم رمان‌نویس، هم شاعر، و هم نمایش‌نامه‌نویس؛ اما، این نوشته فقط با ایریس مرداک، در مقام یک فیلسوف اخلاق، سروکار دارد و می‌خواهد جایگاه او را در اخلاق‌شناسی روزگار ما معلوم کند و، برای این کار، به مهمترین آراء وی، در حوزه‌ی اخلاق‌شناسی، اشاراتی بسیار کوتاه دارد.

مرداک را "میتوان یک افلاطونی مشرب متجذد خواند"^۱، یعنی یک نوافلاطونی. این نوافلاطونی تمام‌عیار، در عین حال، سخت تحت تأثیر ویتگنشتاین (Wittgenstein)، فیلسوف اتریشی (۱۸۸۹-۱۹۵۱)، است، به طوری که خود را "نوافلاطونی ویتگنشتاینی" می‌خواند.^۲ نیز از سیمون وی (Simone Weil)، فیلسوف، عارف، دین‌شناس، و فعال سیاسی فرانسوی (۱۹۰۹-۴۳)، که خود "چشم‌گیرترین نمونه‌ی مشرب افلاطونی مسیحی در سده‌ی بیستم"^۳ به شمار می‌آید، تأثیر پذیرفته است. تا حدی نیز متأثر از سارتر (Sartre)، فیلسوف

۱- Warnock, Mary, "Iris Murdoch" in Ted Honderich (ed.) *The Oxford Companion to Philosophy* (Oxford and New York: Oxford University Press, 1995), p. 598

۲- See Bigsby, Christopher in *The Radical Imagination and the Liberal Tradition: Interviews with English and American Novelists*, edited Heide Ziegler and Christopher Bigsby (London: Junction Books, 1982), pp. 209-230

۳- Mclellan, D., "Simone Weil", in Ted Honderich (ed.), *op.cit.*, p. 908

فرانسوی (۸۰-۱۹۰۵)، است، هرچند نسبت به او موضع نقادانه نیز دارد.

مشرّب افلاطونی مرداک در سرتاسر آثار اخلاق‌شناختی او، چه در حوزه‌ی اخلاق هنجاری، چه در حوزه‌ی اخلاق تحلیلی یا نقدی، و چه در حوزه‌ی روان‌شناسی اخلاق، جلوه‌گر است، و بیش از همه در این رأی او که خوبی (یا خیر) وجودی واقعی، هرچند انتزاعی، در جهان دارد. و این رأی، شاید، بهترین مدخل برای ورود به قلمرو اهمّ آراء وی باشد که اکنون درصدد بیان آنها ایم و آنها را به ترتیبی که منطقیتر مینماید برمی‌شمیریم:

۱. وجود واقعی، هرچند انتزاعی، خوبی

مرداک، در کتاب سیطره‌ی خیر (= *The Sovereignty of Good* (1970))، که مجموعه‌ی سه جستار فلسفی او است، دلیل قانع‌کننده‌ای می‌آورد بر ضدّ نظریات اخلاقی عقل‌گروانه یا ناعقل‌گروانه‌ای، از قبیل اگزیستانسیالیسم، که خوبی را برچسبی میدانند که اراده‌ی ما بر روی برگزیده‌های خود می‌زند، نه واقعیتی که وجوداش شرط لازم امکان‌گزینش اخلاقی است. به عقیده‌ی مرداک، خوبی برچسبی نیست که ما، برحسب گزینشها یا ذوق و سلیقه‌های خود، بر اشخاص، اعمال، وقایع، یا اشیاء بزنیم، بلکه - در استعاره‌ی افلاطونی خورشید که بر اخلاق‌شناسی مرداک سیطره دارد - نوری است که در پرتو آن حیات اخلاقی انسان سپری میشود و ارزش‌گذاری‌ها و گزینشها انجام میگیرند. در کتاب *ما بعد الطبیعه در مقام راهنمایی اخلاقیات* (= *Metaphysics as a Guide to* (1993) *Morals*) که روایت بازنگری‌شده و بسط‌یافته‌ی درس‌گفتارهای گیفورد (Gifford Lectures) مرداک در ۱۹۸۲ است، او، با وضوح بیشتری، به دلیلی عقلی توسل صریح می‌جوید تا این مدعا را اثبات کند. در فصل‌های سیزدهم و چهاردهم این کتاب (بترتیب، با عناوین "برهان وجودشناختی" و "دکارت و کانت")، که به برهان وجودشناختی اختصاص دارند، از برهان وجودشناختی، نه برای اثبات وجود خدا، بلکه برای اثبات وجود خوبی بهره میبرد و حضور گریزناپذیر خوبی، و اساساً ارزش، را در حیات انسانی نشان میدهد.^۱

۱- See Murdoch, Iris, *Metaphysics as a Guide to Morals* (New York: Allen